



University of Tehran Press

Investigating the determinants of parliament size in the balance of efficiency and representation (comparative study)

Fardin Moradkhani¹ | Unus Fathi² | Davood Kazemi³

1. Corresponding Author; Department of Public Law, Faculty Humanities Sciences, Bou Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: f.moradkhani@basu.ac.ir
2. Department of Public Law, Faculty Humanities Sciences, Bou Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: u.fathi@basu.ac.ir
3. Department of Public Law, Faculty Humanities Sciences, Bou Ali Sina University, Hamadan, Iran. Email: Davoodkazemi1359@gmail.com

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <hr/> <p>Received: 2022/06/11</p> <p>Received in revised form: 2023/01/14</p> <p>Accepted: 2023/01/22</p> <p>Published online: 2023/06/22</p> <hr/> <p>Keywords: <i>K Article 85 of the Constitution, Parliament size, Parliament, Performance, Representation.</i></p>	<p>The Parliament is an example of a society in which the determinants of its size have been less studied. The present article hypothesizes that determining the number of seats in a legislature is a balance between efficiency and representation. One of the important components to achieve the desired efficiency is to have enough people with the necessary expertise to perform the tasks. In case of shortage of personnel and consequently, lack of necessary specializations, the group will certainly not achieve the desired efficiency. Also, the larger the group, the greater the proportion of votes to the number of seats, parties, and representatives of the smaller groups. Based on this, the current research tries to investigate with a scientific-analytical approach through the demographic statistics of the parliaments of different countries, what is the relationship between the number of parliamentarians and the efficiency and representation of that parliament? Also, with a secondary question, after comparing the conditions of the Islamic Council of Iran with other countries in this category, it is tried to check whether the requirement of the two important duties of legislation and supervision (based on principles 71 and 76 of the constitution) with this Hasn't the number of representatives caused excessive use of Article 85 of the Constitution? According to the results, Iran's parliament ranks 236 among the 239 parliaments in the world in terms of the number of representatives. This issue can have a great impact on the efficiency of the parliament and also on the matter of representation.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Moradkhani, Fardin; Fathi, Unus & Kazemi, Davood (2023). Investigating the determinants of parliament size in the balance of efficiency and representation (comparative study). <i>Comparative Law Review</i>, 14 (1), 491-512. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.344299.634375</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jcl.2023.344299.634375</p>
<p>Publisher</p>	<p>University of Tehran Press. </p>



University of Tehran Press

مطالعات حقوق تطبیقی

شاپا الکترونیکی: ۲۴۲۳-۳۴۰۴

دوره: ۱۴، شماره: ۱

بهار و تابستان ۱۴۰۲

Homepage: <https://jcl.ut.ac.ir>

بررسی عوامل تعیین کننده اندازه پارلمان در تعادل کارایی و نمایندگی (مطالعه تطبیقی)

فردین مرادخانی^۱ | یونس فتحی^۲ | داود کاظمی^۳

۱. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: f.moradkhani@basu.ac.ir

۲. گروه حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: u.fathi@basu.ac.ir

۳. گروه حقوق عمومی دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: Davoodkazemi1359@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۴</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۲</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۲/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: اصل ۸۵ قانون اساسی، اندازه پارلمان، کارایی، مجلس شورای اسلامی، نمایندگی.</p>	<p>پارلمان نمونه‌ای از یک جامعه است که عوامل تعیین کننده اندازه آن کمتر مورد مطالعه قرار گرفته است. مقاله پیش رو این فرضیه را مطرح می‌کند که تعیین تعداد کرسی‌های مجلس قانون گذاری، اقدامی است که میان کارایی و نمایندگی تعادل برقرار می‌کند. یکی از مؤلفه‌های مهم برای رسیدن به کارایی مطلوب، داشتن افراد کافی با تخصص‌های لازم برای انجام وظایف است. در صورت کمبود افراد و در پی آن نبود تخصص‌های لازم، گروه به کارایی مطلوب نخواهد رسید. هرچه گروه بزرگ‌تر باشد، تناسب آرا با تعداد کرسی‌ها، احزاب و نمایندگان گروه‌های کوچک، بیشتر می‌شود. بر این اساس در تحقیق حاضر تلاش بر این است تا با رویکردی علمی-تحلیلی از طریق آمارهای جمعیتی پارلمان‌های کشورهای مختلف به این پرسش پاسخ داده شود: چه ارتباطی میان تعداد نمایندگان مجلس با کارایی و نمایندگی آن مجلس وجود دارد؟ همچنین با طرح پرسشی فرعی سعی می‌شود پس از مقایسه بین شرایط مجلس شورای اسلامی ایران با کشورهای دیگر در این مقوله، بررسی شود که آیا الزام دو وظیفه مهم قانون گذاری و نظارت (بر اساس اصول ۷۱ و ۷۶ قانون اساسی)، با این تعداد نماینده باعث استفاده بیش از حد از اصل ۸۵ قانون اساسی شده است؟ چنان که از نتایج برمی‌آید مجلس شورای اسلامی به لحاظ اندازه نمایندگان در میان ۳۳۹ پارلمان جهان رتبه ۲۳۶ را دارد. این مسئله می‌تواند تأثیرات زیادی بر کارایی مجلس و نیز امر نمایندگی بگذارد.</p>
استناد	مرادخانی، فردین؛ فتحی، یونس و کاظمی، داود (۱۴۰۲). بررسی عوامل تعیین کننده اندازه پارلمان در تعادل کارایی و نمایندگی (مطالعه تطبیقی). <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i> ، ۱۴ (۱)، ۴۹۱-۵۱۲. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.344299.634375
DOI	10.22059/jcl.2023.344299.634375
ناشر	مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

در زمینه اندازه پارلمان و عوامل تعیین‌کننده آن پژوهش‌های اندکی انجام شده است. ساختار و اندازه بهینه پارلمان که نمونه‌ای از جامعه است به میزان تلاش، نوع تصمیم‌ها و هزینه‌های آن بستگی دارد. اگر ارزش خالص اجتماعی تصمیم‌گیری بالا باشد؛ یعنی درباره مسائل بسیار مهمی تصمیم‌گیری شود، بهترین نمونه، نمونه حداکثری (دموکراسی مستقیم) است. اگر مسئله مهمی در میان نباشد و روش دموکراسی مستقیم پرهزینه باشد، توسل به نمونه‌های کوچک‌تر (دموکراسی نمایندگی) بهترین گزینه است. اگر اختلاف‌های شدید اعضای جامعه یا پارلمان باعث محدودیت در تصمیم‌گیری شود، سیستم تک‌نفره یا الیگارش راهگشا است. در حالت اول که نمایندگی وجود ندارد، بهترین حالت دموکراسی مستقیم است، زیرا همه اعضا در تصمیم‌گیری دخالت دارند. در این مقاله نمادی از بیشترین میزان مؤلفه نمایندگی در نظر گرفته شده است، اما به دلیل وجود مشکلاتی در دموکراسی مستقیم که عبارت‌اند از: زمان‌بر و پرهزینه بودن، حجم زیاد مسائل یک جامعه که باید در زمان کوتاهی برای آن تصمیم‌گیری شود، تضاد منافع بین اعضای جامعه با یکدیگر که می‌تواند باعث کاهش کیفیت در تصمیم‌گیری شود، حالت سوم یعنی الیگارش نماد کارایی در نظر گرفته شده است. حالت اول به دلیل وجود عوامل فراوان محدودکننده، برای همه تصمیم‌گیری‌های جامعه قابل اجرا نیست و حالت سوم نیز بسیار فسادزا است؛ به همین دلیل در جوامع امروزی از حالت دوم یعنی دموکراسی نمایندگی استفاده می‌شود. اما تعداد این افراد نماینده باید چه میزان از دموکراسی مستقیم و چه میزان از سلطنت فاصله بگیرد تا هم مؤلفه نمایندگی را در خود داشته باشد و هم از مؤلفه کارایی بهره‌مند شود؟ در دموکراسی‌های معاصر، تصمیم‌های عمومی بر رفاه شهروندان تأثیر می‌گذارد؛ درحالی که اغلب تعداد بسیار کمی از افراد یا نمایندگان مسئول تصمیم‌گیری هستند. این امر گاه در تمام سطوح جامعه رخ می‌دهد. برای مثال پارلمان‌ها در سطح ملی، شوراهای در سطح محلی و حتی کمیته‌هایی در سطح سازمان‌های دولتی و خصوصی به امر تصمیم‌گیری می‌پردازند و به‌ندرت از دموکراسی مستقیم استفاده می‌شود. در جهان امروز برخلاف افزایش ارزش تصمیم‌های دموکراتیک، نهادهای تصمیم‌ساز در بیشتر جاها به نسبت محدود باقی مانده‌اند. این مسئله را می‌توان از طریق پدیده تعادل میان عوامل تأثیرگذار بر روی اندازه پارلمان توضیح داد. هیچ فرمول واحد جهانی برای تعیین تعداد نمایندگان مجلس وجود ندارد. برخی از عواملی که می‌توانند بر اندازه مجموعه اثرگذار باشند عبارت‌اند از:

اندازه ملت؛ سطح توسعه اقتصادی؛ درجه بسیج اجتماعی؛ میزان خودمختاری یا استقلال مؤثر ملت؛ روش انتخاب: مجمع انتخابی یا انتصابی؟؛ وظایف مجمع: تصمیم‌گیری، مشاوره، یا نظارت؟؛ نمونه‌ای که از سوی اولین مجامع ملی موجود ایجاد شده است؛ خصوصیات شخصی و ملی (Taagepera, 1972: 375).

پژوهش‌ها در این باره اغلب به صورت مقطعی (و نه طولی) بوده و هیچ تلاشی صورت نگرفته است تا

هم‌زمان جمعیت و دیگر عوامل تأثیرگذار بر اندازه پارلمان بررسی شود. در کل، درباره آنچه ممکن است تغییرات اندازه پارلمان را توضیح دهد، اطلاعات کمی داریم؛ بنابراین، هدف این مقاله پرکردن شکاف یادشده است، زیرا اندازه پارلمان یکی از «چهار بُعد اصلی» سیستم انتخاباتی است (Lijphart, 1994: 13). از این رو، ضرورت دارد تا تأثیر آن بر دو مؤلفه بسیار مهم کارایی و نمایندگی پارلمان بررسی شود. پس پرسش‌هایی که تحقیق ما را پیش می‌برد اینها هستند: ۱- چه ارتباطی میان تعداد نمایندگان مجلس با کارایی و نمایندگی آن وجود دارد؟ ۲- شرایط کنونی مجلس شورای اسلامی ایران از این نظر چگونه است؟ تاکنون تحقیقی درباره این موضوع انجام نشده است و مشخص نیست که آیا تعداد نمایندگان مجلس باعث استفاده بیش‌ازحد از اصل ۸۵ قانون اساسی می‌شود یا خیر؟ بر این اساس، پژوهش حاضر تلاش دارد با رویکردی تحلیلی به بررسی رابطه اندازه پارلمان با کارایی و نمایندگی بپردازد.

۲. پیشینه

مشکل تعداد بهینه کرسی‌های پارلمان به بحث‌های سال ۱۷۸۷ درباره قانون اساسی ایالات متحده بازمی‌گردد. ابتدا تاگپرا در سال ۱۹۷۲ در این خصوص مطالعه‌ای پژوهشی ارائه و در سال‌های ۱۹۸۹ و ۲۰۰۲ آن را تکمیل کرد (Taagepera, 1989: 2002). از اواسط دهه ۱۹۹۰ محققان نه‌تنها عواقب سیستم‌های انتخاباتی، بلکه منشأ و تغییرات این سیستم‌ها را نیز توضیح داده‌اند (Farell, 2011: 172). با اینکه تلاش‌ها در ابتدا بر اصلاحات عمده در فرمول انتخابات متمرکز بود، از اواسط دهه نخست قرن بیست‌ویکم، محققان هنگام مطالعه دیگر بخش‌های قانون انتخابات رویکرد جامع‌تری را درپیش گرفتند (Leyenaar, 2011: 238). امروزه دانشگاهیان می‌کوشند تغییرات در عناصری مانند ساختار برگه آرای انتخاباتی (Renwick, 2011: 456)، سهمیه جنسیتی، بزرگی ناحیه یا آستانه انتخابات را توضیح دهند (Hooghe, 2011: 626). با این حال، یک استثنا وجود دارد و آن، اندازه پارلمان است (Lijphart, 1994: 10). بیشتر تحقیقاتی که تاکنون سعی در توضیح اندازه پارلمان داشته‌اند نیز بر اساس توضیح تاگپرا از جمعیت (با عنوان قانون ریشه مکعب) تنظیم شده‌اند (Taagepera, 1972: 385-401)؛ اما بعید است اندازه جمعیت تنها عامل مؤثر بر تعیین اندازه پارلمان باشد. این احتمال وجود دارد که عوامل دیگری نیز در این خصوص نقش داشته باشند. از آنجا که اندازه پارلمان بخشی از سیستم انتخاباتی است می‌توان انتظار داشت که تغییرات در آن بر اندازه پارلمان اثرگذار باشد (Lijphart, 1994: 12). مدیسون^۱ در *رسائل فدرالیست‌ها* درباره اندازه پارلمان می‌گوید: هرقدر هم که یک جمهوری کوچک باشد، نمایندگان پارلمان آن باید به تعداد معینی افزایش یابند و به میزانی برسند تا در برابر انتقامات عده‌ای

1. Madison

اندک (سه‌م‌خواهی‌های تعداد کمی از افراد) مقاومت کنند. از سوی دیگر، هر قدر هم که یک جمهوری بزرگ باشد، نمایندگان پارلمان باید به تعداد معینی محدود شوند تا جمعیت زیاد باعث سردرگمی (هرج و مرج) نشود (Pole, 1987: 155). هر چند شواهد زیادی برای تأیید اهمیت اندازه پارلمان وجود دارد، اما اطلاعات درباره عوامل مؤثر بر آن زیاد نیست. در واقع، تحقیق‌هایی که در این باره وجود دارد اغلب شامل تحلیل‌هایی است که جمعیت و اندازه مجموعه را به هم ربط می‌دهند (Taagepera, 1972: 385-401). این مطالعات یک ایراد مشترک دارد: به‌طور مقطعی و بدون کنترل دیگر عوامل مؤثر بر اندازه پارلمان انجام شده‌اند. این موضوع باعث طراحی نادرست سیستم‌های انتخاباتی شده است که البته در مدت زمان کوتاهی به دلیل نارضایتی جامعه یا کارایی پایین آنها در انجام وظایف، بازنگری و اصلاح شده‌اند. از جمله این عوامل مؤثر می‌توان به منافع شخصی افراد جامعه و احزاب اشاره کرد که باعث افزایش ضریب خطا می‌شوند. بنابر آنچه گفته شد، ما در این پژوهش ابتدا می‌کوشیم اهمیت پارلمان و شاخص‌های آن را بررسی کنیم. سپس با بیان اهمیت اندازه پارلمان و تأثیر آن بر برخی مؤلفه‌های مجلس، رابطه آن را با کارایی و نمایندگی پارلمان بیان کنیم و در نهایت بر این اساس، مجلس شورای اسلامی را با پارلمان‌های دیگر کشورها از طریق اطلاعاتی که می‌توان درباره اندازه و نوع پارلمان‌های کشورهای مختلف از سایت اتحادیه بین‌المجالس استخراج نمود، مقایسه کنیم (Inter-DPI; Parliamentary Union, 2022).

۳. روش‌شناسی پژوهش

ذهن انسان، صدای انسان، تعداد افرادی که می‌توانند در یک مکان با یکدیگر ملاقات کنند و زمان و توجهی که می‌توانند صرف کنند، محدود است. از نظر صرفاً انسانی، عوامل محدودکننده بسیاری در این امر وجود دارد تا از یک فرد انتظار داشته باشیم تمام مسائل مدنی، نظرهای متضاد و اطلاعات مربوط به همه پست‌های دولتی را بداند. به همین دلیل جان استوارت میل اعتقاد داشت تنها حکومتی می‌تواند تمام خواسته‌های دولت اجتماعی را به‌طور کامل برآورده کند که همه مردم در آن مشارکت داشته باشند و به گفته او غیرممکن است. حکومت با اندازه بزرگ، دموکراسی را تنها از یک جهت محدود می‌کند: هرچه اندازه حکومت بزرگ‌تر باشد، شهروندان توانایی کمتری برای گفتگوی مستقیم با رهبران ارشد سیاسی خود دارند. یعنی بی‌واسطه بودن، در دسترس بودن و قابل درک بودن سیاست‌های محلی باعث می‌شود بسیاری از شهروندان در مقایسه با آنچه در گستره ملی سیاست اتفاق می‌افتد، سیاست‌های محلی را

۱. همه اعداد و اطلاعات درباره اندازه و نوع پارلمان‌های کشورهای مختلف از سایت اتحادیه بین‌المجالس استخراج شده است: (<https://www.ipu.org>).

دارای شایستگی و کارآمدی بیشتری ببینند (Robert Dahl, 1973: 57). نمایندگی بدون تبعیض بر همه بخش‌های جامعه از جمله مردان و زنان، اقلیت‌ها و گروه‌های حاشیه‌نشین در کیفیت نمایندگی تأثیر دارد. نمایندگی مؤثر مستلزم بیان و میانجی‌گری میان منافع متضاد این گروه‌ها و نیز تضمین حقوق برابر برای همه نمایندگان مجلس است. پارلمان‌ها، نهادهایی منتخب که جامعه را با همه تنوع‌هایش نمایندگی می‌کنند، مسئولیت منحصربه‌فردی برای آشتی‌دادن منافع و انتظارات متضاد گروه‌ها و جوامع مختلف برعهده دارند و این کار را از طریق گفتگو و سازش در قالب ابزارهایی دموکراتیک انجام می‌دهند. پارلمان‌ها یعنی ارگان اصلی قانون‌گذاری، موظف هستند قوانین را با نیازهای جامعه‌ای تطبیق دهند که به سرعت در حال تغییر است. پارلمان، نهاد مسئول نظارت بر دولت، باید از پاسخگویی کامل دولت به مردم مطمئن شود. در این فرایند، پارلمان نیز دستخوش تغییرات زیادی می‌شود، زیرا خود در پی سازگاری با چالش‌های قرن جدید است. با توجه به موارد یادشده، پارلمانی با تعداد اندک اعضا به خوبی از جامعه نمایندگی نخواهد کرد. وقتی تناسب بین تعداد نمایندگان با جمعیت کشور از سوی بنیان‌گذاران قانون اساسی آمریکا به بحث گذاشته شد، آنها معتقد بودند در ابتدا که سیستم‌های انتخاباتی، طراحی و اندازه پارلمان تعیین می‌شود، بخشی از مسیر گذار به سوی دموکراسی یا استقلال طی می‌گردد (Farrell, 2011: 172). در نهایت، طراحان سیستم انتخاباتی با اصلاحات متعدد باید سیستم مشروعی ایجاد کنند که از هر لحاظ نزدیک به جامعه باشد. پارلمان‌ها نقش کلیدی در سایر نهادها دارند که آنها را به نهاد مرکزی هر دموکراسی تبدیل می‌کند. پارلمان، نهادی که اعضای آن آزادانه انتخاب می‌شوند، جایگاهی مرکزی در هر دموکراسی دارد. پارلمان نهادی است که اراده مردم از طریق آن ابراز و بیان می‌شود. پارلمان در نقش کارگزار مردم، آنها را در مراد با دیگر شاخه‌های حکومت و نهادهای مختلف بین‌المللی و فرعی نمایندگی می‌کند. اینکه آنها چقدر این نقش میانجی را خوب ایفا کنند و اینکه چقدر نماینده همه گروه‌های متنوع مردم هستند، ملاحظاتی مهم برای یک پارلمان دموکراتیک است.

در درون نهادهای حکومت، این نهاد نمایندگی است که اراده مردم از طریق آن تجلی پیدا می‌کند. این اراده همگانی از تنوع اعضای پارلمان برمی‌آید و در آن درباره اختلاف‌ها بحث و مذاکره صورت می‌گیرد. از ویژگی‌های یک پارلمان دموکراتیک که مردم را نمایندگی می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. نماینده. باید از نظر اجتماعی و سیاسی نماینده گروه‌های متنوع مردم باشد و فرصت‌ها و حمایت‌های برابر را برای همه اعضای خود تضمین کند.
۲. شفاف. بازبودن به روی ملت از طریق رسانه‌های مختلف و شفافیت در انجام امور.
۳. قابل دسترس. مردم از جمله انجمن‌ها و جنبش‌های جامعه مدنی در کار پارلمان مشارکت داشته باشند.
۴. پاسخگو. پاسخگو بودن اعضای مجلس به رأی‌دهندگان نشان درستی عملکرد و رفتارشان است.

۵. مؤثر. به معنای سازماندهی تصمیمات بر اساس ارزش‌های دموکراتیک و اجرای وظایف قانون‌گذاری و نظارتی مجلس به‌گونه‌ای که نیازهای کل جامعه را تأمین کند. اما نکته قابل توجه این است که تدارک کافی به‌منظور ابتکارات پیش‌گفته برای حضور تک‌تک اعضای جامعه در پارلمان ممکن است برنامه‌ی زمانی و سازماندهی پارلمان را تخریب کند. رسیدن به نقطه مناسب در این زمینه برای یک نظام حکومتی کاری بسیار دشوار است.

۴. تأثیر تعداد نمایندگان

تعداد اندکی از اندیشمندان به تأثیرات اندازه مجامع بر مؤلفه‌های مختلف دموکراسی اشاره کرده‌اند. دیوید فارل نشان می‌دهد که در سیستم‌های انتخاباتی، اندازه‌های کوچک‌تر مجمع با سطوح بالاتری از عدم تناسب (حضور منافع مختلف در پارلمان) همراه است (Farrell, 2011: 159). لوندل دریافت که اندازه پارلمان حتی زمانی که دیگر عناصر سیستم انتخاباتی مانند فرمول انتخابات، آستانه مؤثر و شکل ظاهری ثابت باقی بمانند نیز به شکلی معنی‌دار مؤثر خواهد بود (Lundell, 2012: 9). مشکل جدی‌تر این است که در جوامعی با جمعیت زیاد روستایی فرصت گفتگوی چهره به چهره و ارتباط بین قانون‌گذاران و شهروندان کاهش می‌یابد. همچنین، به‌ویژه فرصت پاسخگویی در پارلمان‌های کوچک، اندک است. به‌نظر می‌رسد در چنین کشورهایی یک مبادله آشکار بین دستیابی به تناسب و ازدست دادن مسئولیت‌پذیری وجود دارد. این امر به این دلیل است که این جوامع تفاوت‌های فرهنگی، اقتصادی و قومیتی زیادی دارند و هرچه پارلمان کوچک‌تر باشد روستاها یا جوامع کوچک شانس کمتری برای داشتن نماینده در پارلمان خواهند داشت. به همین دلیل برخلاف ایالات متحده، بر اساس قوانین انتخاباتی بریتانیا و بسیاری از مستعمرات سابق آن، الزامی ندارد که تعداد اعضای پارلمان تنها بر اساس جمعیت حوزه‌های انتخاباتی تعیین شود. قوانین انتخاباتی این کشورها می‌گوید: «درحالی که همه حوزه‌های انتخابیه باید تقریباً دارای تعداد برابری از ساکنان باشند، به‌طور منطقی و عملی: الف) تراکم جمعیت، و اطمینان از نمایندگی کافی از مناطق شهری و روستایی کم‌جمعیت؛ ب) روندهای جمعیتی؛ ج) وسایل ارتباطی؛ د) ویژگی‌های جغرافیایی؛ ه) جامعه مورد علاقه؛ و) مرزهای مناطق اداری موجود نیز باید در نظر گرفته شوند» (Barkan, 2006: 927). رانه^۱ معتقد است که تمرکز جغرافیایی بالای رأی برای احزاب اقلیت در کانادا، بقای آنها را برخلاف کثرت، تسهیل می‌کند. موزر^۲ یافته مشابهی را از روسیه، اوکراین و لهستان گزارش می‌دهد (Barkan, 2006: 928). اندازه مجمع بر تعداد مؤثر احزاب نیز تأثیر می‌گذارد.

1. Rae
2. Moser

هرچه اندازه مجمع بزرگ‌تر باشد، شانس اقلیت‌ها برای به‌دست آوردن نمایندگی بیشتر می‌شود (Frederick, 2010: 116). همان‌طور که فردریک اشاره می‌کند داشتن تعداد بیشتر نماینده در پارلمان به این معنی است که تأثیر نسبی تک‌تک آنها در روند قانون‌گذاری کم‌رنگ می‌شود (Frederick, 2010: 119). در این وضعیت هریک از نمایندگان برای به‌دست آوردن «مگا کرسی‌ها» مانند ریاست بر کمیته‌ها، با رقابت شدیدتری روبه‌رو می‌شوند. کاهش اندازه مجلس می‌تواند امنیت شغلی تک‌تک نمایندگان را کاهش دهد؛ درحالی که گسترش اندازه مجمع گزینه‌های بیشتری را برای پاداش دادن به اعضای وفادار پیش روی احزاب سیاسی می‌گذارد. در نتیجه احزاب کوچک‌تر، یک مجلس بزرگ‌تر را ترجیح می‌دهند (Taagepera, 2007: 180) وسعت مجمع نیز بر تناسب نظام انتخاباتی تأثیر می‌گذارد. تأثیر افزایش وسعت مجمع اغلب بر وسعت حوزه نیز تأثیرگذار بوده، بنابراین آستانه مؤثر انتخابات است. افزایش اندازه مجمع نه تنها تأثیرات فراهزبی یعنی ایجاد تناسب بیشتر را به‌همراه دارد، بلکه بر درون احزاب نیز تأثیر می‌گذارد. مجلس بزرگ‌تر قدرت شخصی هریک از سیاستمداران را کاهش می‌دهد؛ زیرا آنها باید با تعداد بیشتری از سیاستمداران رقابت کنند. در ادامه، تأثیرات اندازه پارلمان بر مؤلفه‌های نمایندگی و کارایی بررسی می‌شود.

۵. تأثیر اندازه پارلمان بر نمایندگی

اولین معیار یک پارلمان دموکراتیک نماینده مردم بودن است. در وهله اول، یعنی پارلمان باید بازتاب‌دهنده اراده مردمی باشد که در انتخابات به آن رأی داده‌اند. مجلسی که به دلیل نقص در روند انتخابات و سیستم انتخاباتی در این زمینه فاقد نماینده باشد، تا حد زیادی مشروعیت خود را از دست می‌دهد. چنین مجلسی کمتر می‌تواند منعکس‌کننده افکار عمومی باشد. نمایندگی چندین بُعد دارد که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند: ۱- نمایندگی از احزاب ۲- نمایندگی از افراد (Mansbridge, 2003: 519). نماینده دارای منشأ طبقاتی یا جغرافیایی است و این دو، نقشی پیونددهنده میان نماینده و مردم ایفا می‌کنند. ممکن است افراد به تدریج جایگزین احزاب شوند (Van Holsteyn & Andeweg, 2010: 628). اندازه مجامع تأثیر زیادی بر روی این جایگزینی خواهد داشت؛ چنان‌که در مجالس قانون‌گذاری کوچک «احزاب کوچک‌تر شانس کمتری برای کسب کرسی دارند» (Nohlen, 1996: 53).

۶. تأثیر اندازه پارلمان بر نمایندگی اقلیت‌ها

نمایندگی در قانون‌گذاری ممکن است نه تنها در سطح حزب، بلکه در سطح فردی نیز مطالعه شود. با توجه به بازنمایی «توصیفی»، انتظار می‌رود که هرچه تعداد کرسی‌ها بیشتر باشد، نمایندگان گروه‌های

بی‌نماینده یا کم‌نماینده به لحاظ جنسیت، سن، شغل و موارد مشابه شانس بیشتری برای حضور در مجمع پیدا کنند (Pitkin, 1967: 60). دو گروه اجتماعی - جمعیت‌شناختی که در مجالس قانون‌گذاری به‌طور پیوسته کمتر نماینده دارند، زنان و جوانان هستند. بنابراین هرچه مجمع بزرگ‌تر باشد، درصد حضور گروه‌های اجتماعی - جمعیت‌شناختی مانند زنان و جوانان بیشتر خواهد شد. یک پارلمان دموکراتیک باید منعکس‌کننده تنوع اجتماعی جمعیت از نظر جنسیت، زبان، مذهب، قومیت و دیگر ویژگی‌های مهم سیاسی نیز باشد. اگر پارلمان در این معنای دوم فاقد نماینده باشد، باعث می‌شود برخی گروه‌های اجتماعی در روند سیاسی احساس ضعف کنند یا حتی به‌طور کامل حذف شوند. این امر بر کیفیت زندگی عمومی، ثبات نظام سیاسی و جامعه اثر نامطلوبی خواهد داشت. این هدف برای یک پارلمان دموکراتیک که در آن نماینده دارای معانی مختلف است، تا حدی از طریق ترکیب و اندازه پارلمان به‌دست می‌آید که نتیجه فرایند انتخابات است. با افزایش تعداد کرسی‌ها می‌توان «... یک نهاد قانون‌گذاری ایجاد کرد که ترکیب جمعیتی جامعه را با دقت بیشتری منعکس کند» (Frederick, 2005: 5) و به‌طور خاص «فرصت‌های جدیدی برای زنان و ... باز شود». برعکس، هرچه تعداد کرسی‌ها کمتر باشد، «تفاوت‌ها در ویژگی‌های اجتماعی، شغل، تحصیلات، درآمد و مانند آن، بین نمایندگان و رأی‌دهندگان بیشتر می‌شود» (Dahl, 1973: 84). با بررسی داده‌های فراملی مشخص شده است که «هرچه تعداد اعضای پارلمان در هر ناحیه کمتر باشد، زنان کمتری به نمایندگی انتخاب می‌شوند» (Rule, 1987: 484). تاگپرا «قانون ساییدگی اقلیت» را فرموله کرده، بیان می‌کند: هرچه موقعیت‌های موجود کمتر باشد، سهم اقلیت نیز کمتر خواهد بود (Taagepera, 2009: 241).

۷. تأثیر اندازه پارلمان بر دسترسی

یکی دیگر از جنبه‌های نمایندگی این است که شهروندان به نمایندگان منتخب خود دسترسی معقول داشته باشند. در سال ۱۹۸۳، دولت کارگری جدید هاک در استرالیا، کمیتهٔ منتخب مشترک اصلاحات انتخاباتی^۱ (JSCER) را تأسیس کرد تا برنامهٔ اصلاحات اساسی انتخاباتی حزب کارگر را پیش ببرد. پس از اولین تحقیق خود، JSCER برابری نمایندگی و دسترسی را در حمایت از افزایش اندازهٔ پارلمان مطرح کرد. دربارهٔ مسئلهٔ اول، کمیته چنین استدلال کرد: برای بهبود نمایندگی باید در هر ایالت دست‌کم پنج کرسی به کرسی‌های مجلس نمایندگان افزوده شود. دربارهٔ مسئلهٔ دوم، یعنی دسترسی‌پذیری اعضا، نیز کمیته خاطر نشان کرد: از زمان آخرین افزایش قابل توجه کرسی‌ها در سال ۱۹۴۹، تعداد رأی‌دهندگان به‌طور چشمگیری افزایش یافته است و تعداد نمایندگان برای ارتباط به‌موقع با رأی‌دهندگان کافی نیست.

1. Joint Select Committee on Electoral Reform

اما به دلیل حساسیت سیاسی فرایند تعیین حدود هر کشور و نیز تنوع ذی‌نفعان که اغلب منافع متضاد دارند، نمی‌توان یک معیار واحد را برای رسیدن به تعداد مناسب کرسی‌ها در سراسر جهان اعمال کرد. همچنین عواملی مانند پیشینه تاریخی پارلمان، وسعت کشور، جمعیت، جغرافیا، تعداد واحدهای اداری، تعداد مناطق و تعداد رأی‌دهندگان ثبت‌نام شده همگی بر تعداد نمایندگان مجلس هر کشور تأثیر می‌گذارند. بر اساس موارد بالا می‌توان عوامل تأثیرگذار بر اندازه پارلمان را به ترتیب اولویت این‌گونه مرتب کرد: نمایندگی، تنوع احزاب سیاسی، منافع جوامع به‌حاشیه رانده‌شده و نمایندگی دولت محلی (Besley, 1998: 139-156). پرسش مهم این است که آیا می‌توان رابطه مثبتی میان تعداد کرسی‌ها و امر نمایندگی یافت؛ اگر چنین است آیا این رابطه خطی است یا غیرخطی؟ (Lijphart, 1971: 689).

۸. تأثیر اندازه پارلمان بر احزاب

از نظر احزاب، دو عامل مهم افزایش اندازه پارلمان، یکی خواست رهبران آنها برای کاهش قدرت تک‌تک نمایندگان مجلس و دیگری توانمندی احزاب کوچک‌تر پارلمان برای مذاکره به‌منظور رسیدن به یک دولت ائتلافی است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که با افزایش تعداد احزاب کوچک‌تر در پارلمان، به‌ویژه زمانی که آنها در یک دولت ائتلافی به‌قدرت می‌رسند، درخواست‌های بیشتری برای گسترش اندازه مجمع ارائه شود. در چنین وضعیتی افزایش اندازه مجمع موجب محدودیت احزاب کوچک‌تر در تصاحب کرسی‌ها می‌شود. از سوی دیگر احزاب بزرگ‌تر از تضعیف نمایندگان پارلمان و افزایش قدرت رهبری حزب بهره‌مند می‌شوند و صندلی‌های بیشتری را تصرف خواهند کرد. پس می‌توان نتیجه گرفت که تعداد بیشتر (مؤثرتر) احزاب احتمال افزایش اندازه مجمع را زیاد می‌کند، اما تأثیری بر کاهش آن ندارد. استثناهایی هم در اینجا وجود دارد، از جمله سیستم‌های منطقه‌تک‌عضوی، که در این سیستم‌ها افزایش اندازه مجمع تعداد مناطق را نیز افزایش می‌دهد که این امر به نفع احزاب متمرکز کوچک‌تر است. در رکود اقتصادی احتمالاً به دلایل زیر کاهش اندازه مجمع در دستور کار قرار می‌گیرد:

اول، نارضایتی مردم را در پی خواهد داشت، زیرا آنها به‌شدت «مسئول» این وضعیت شناخته می‌شوند (Lewis-Beck, 2012: 472)؛ دوم، با توجه به ماهیت اندازه مجمع (یعنی تعداد سیاستمداران حاضر در یک مجلس) می‌توان انتظار داشت سیاستمدارانی که می‌خواهند افکار عمومی را راضی و هزینه‌ها را کم کنند، حجم مجمع را کاهش دهند. بر اساس انتخابات ۱۹۸۵ فرانسه هم می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که احزاب بزرگی که پیش‌بینی می‌کنند در انتخابات بعدی شکست بخورند، اندازه مجمع را افزایش می‌دهند تا مطمئن شوند که نمایندگان آنها با وجود ازدست دادن تعداد آراء، کرسی‌های خود را حفظ خواهند کرد. فردریک در تحلیل خود از مجلس نمایندگان ایالات متحده خلاصه‌وار می‌گوید

که کاهش اندازه مجلس را می‌توان «یک سهم کوچک اما نمادین و مهم در حذف هزینه‌های بیهوده» در نظر گرفت. با این حال، می‌توان انتظار داشت که رکود اقتصادی، احتمال کوچک‌سازی پارلمان را افزایش دهد (Frederick, 2010: 6). تحلیل لیفارت از عوامل تعیین‌کننده تناسب و تعداد احزاب مؤثر قانون‌گذار که از سوی سیستم‌های انتخاباتی مختلف تولید می‌شوند، به چهار متغیر محدود است. این چهار متغیر عبارت‌اند از: فرمول انتخاباتی، بزرگی ناحیه، آستانه قانونی و اندازه مجلس. لیفارت هیچ اشاره‌ای به ویژگی‌های جغرافیایی آرا نمی‌کند، اما همان‌طور که می‌دانید جغرافیا در جوامع سنتی اهمیت بیشتری دارد. دلیلش این است که رأی‌دهندگان ریشه در سرزمین و جوامعی دارند که متعلق به آنها است (Lijphart, 1994: 13). در نهایت، اندازه مجامع دارای تأثیراتی است که می‌توان آن را «حمایت» نامید: اندازه بزرگ‌تر مجلس به این معنی است که هر حزب کرسی‌های بیشتری برای اعضای خود دارد. به همین دلیل همان‌گونه که تاگپرا می‌گوید: «علی‌رغم تأثیر پارلمان بزرگ بر تناسب و حضور بیشتر احزاب رقیب در آن، بزرگ‌ها یاد می‌گیرند که از بزرگ‌ترین مجالس قدردانی کنند» (Taagepera, 2007: 84).

۹. تأثیر اندازه پارلمان بر کارایی

آزبورن و اسلیوینسکی^۱ (۱۹۹۶) و نیز بسلی و کوت^۲ (۱۹۹۸) درباره اندازه پارلمان رویکرد «شهروند-نامزد» را پیشنهاد و توسعه دادند. در اینجا فرض بر آن است که نامزدهای انتخابات همیشه اعضای مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی هستند و فقط می‌توانند متعهد شوند که به دنبال منافع «خود» و رأی‌دهندگانی باشند که دارای منافع مشترک با آنها هستند. ایشان اعتقاد دارند که اولین و بهترین حالت می‌تواند دارای دو ساختار باشد: یا همه عوامل باید به مقدار مساوی نظر خود را اعمال کنند که نوعی دموکراسی مستقیم است؛ یا همه عوامل هیچ‌گونه تلاشی نکنند و تأثیری نداشته باشند که سلطنت سنتی نامیده می‌شود. در انتخاب نمونه‌ای از جامعه اگر افراد از قبل متقارن باشند، امکان دارد نمونه‌بازنمایی از تصویر کاهش یافته جمعیت ایجاد کند. امکان تعیین تعداد بهینه نمایندگان به تأثیرات دو عامل متضاد با هم بستگی دارد؛ از یک سو، عوامل محدودکننده اندازه نمونه مانند زمان، هزینه‌های ثابت و هزینه‌های متغیر، و از سوی دیگر، دقت و کیفیت تصمیم‌های گرفته‌شده است که اتخاذ این تصمیم‌ها از طریق تعداد نمایندگان کم را تضعیف می‌کند. نتیجه اینکه اگر هزینه‌های ثابت کم و پراکندگی ترجیحات و منافع زیاد باشد، یک مجمع بزرگ مورد نیاز خواهد بود. در نهایت، زمانی که پراکندگی ترجیحات کم و هزینه‌ها بسیار زیاد است، استفاده از یک نماینده واحد یا تکنوکرات، حالت بهینه خواهد بود. به‌طور شهودی، زمانی

1. Osborne & Slivinski

2. Besley & Coate

که تعداد شرکت‌کنندگان در فرایند تصمیم‌گیری زیاد باشد، تأثیر هر عامل فردی بر نتیجه نهایی ناچیز می‌شود (Besley, 1998: 139-141). در طول سه دهه گذشته، دانشمندان علوم اجتماعی بحث‌های زیادی برای استفاده از گروه‌ها در حل مشکلات مدیریتی کرده‌اند. یافته‌های پژوهش‌های اولیه نشان داد که تیم‌ها عملکرد بهتری نسبت به متوسط عملکرد تنهایی اعضای خود داشته‌اند (Lorge, Fox, Davitz & Brenner, 1958: 338). با وجود این، برای بسیاری از وظایف، اندازه بهینه گروه به درستی تعریف نشده است. اکنون به‌طور کلی پذیرفته شده که عملکرد یک گروه، تابعی مثبت از توانایی‌های اعضای آن است (Hoffman, 1979: 379). افزایش اندازه تیم، منابع موردنیاز برای حل مشکل را افزایش می‌دهد؛ به این ترتیب، عملکرد تیم باید تابعی مثبت از اندازه آن باشد. بنابراین هنگامی که اندازه افزایش می‌یابد، یک تیم با توانایی بالا به احتمال زیاد منابع جدید و باکیفیت‌تری نسبت به گروه‌های کوچک خواهد داشت (Philip Yetton, 1983: 145-146). مطالعات بر روی گروه‌ها با اندازه‌های مختلف نشان می‌دهد که در گروه‌های بزرگ، شرکت‌کنندگان بیشتر هستند و به همین دلیل هر فرد فرصت کمتری برای رهبر شدن دارد. رهبر تأثیر کمتری بر تصمیم‌های گروه دارد، اجماع کمتری بر سر مسائل وجود دارد و اعضا در مسائل عینی کندتر و در مسائل انتزاعی سریع‌تر عمل می‌کنند (Zilier, 1957: 165). در نهایت، زیلر با اطمینان قابل قبولی مشخص کرد که یک رابطه خطی مثبت بین اندازه گروه و دقت تصمیم‌های آن وجود دارد (Zilier, 1957: 172).

۱۰. تأثیر اندازه پارلمان بر تخصص نمایندگان

با توجه به بغرنج شدن و تخصصی‌تر شدن جوامع و روابط اجتماعی، مسلماً مسئولیت‌ها و وظایف نمایندگان نسبت به گذشته دشوارتر و پیچیده‌تر شده است. بر این اساس، نمایندگان باید دارای تخصص لازم باشند (مولائی و مهدوی، ۱۳۹۸: ۷۷۱). با توجه به تفاوت افراد در توانایی تولید و پردازش اطلاعات، یک تعریف خوش‌بینانه از هدف رأی‌گیری این است که انتخابات راهی برای پیدا کردن تواناترین کارگزاران است. در این مسیر ترجیحات گوناگون رأی‌دهندگان باعث می‌شود بر روی افراد مختلف تمرکز کنند. رأی‌دهندگان زمانی می‌توانند این کار را انجام دهند که تخصص‌های مختلف با منافع مختلف در رقابت انتخاباتی وجود داشته باشد. با این حال، اغلب، صدای اصلی در بحث‌های انتخاباتی صدای سیاستمداران کارگشته است (Myerson, 1999: 696). لیفارت در سال ۲۰۰۶ استدلال می‌کند که برای رسیدن به این هدف، اصل ماکسیمم مدولاریت می‌تواند راهنمای قابل اعتمادی برای چگونگی تعیین تعداد نمایندگان موردنیاز و نیز حفظ کارآمدی پارلمان در یک کشور دموکراتیک باشد (Lijphart, 1994: 14). حضور افراد متخصص در رشته‌های گوناگون می‌تواند کمک شایانی به کارایی پارلمان بکند، زیرا

قانون‌گذاری در همه حوزه‌ها و نظارت بر آن نیازمند تخصص‌های متفاوت است. این موضوع رابطه‌ای مستقیم با تعداد نمایندگان پارلمان دارد. اگر تعداد اعضای پارلمان محدود باشد نمی‌توان از همه ظرفیت‌های جامعه استفاده کرد؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که هر دو مشکل کارایی و نمایندگی، نسبی هستند و به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به اندازه پارلمان بستگی دارند.

۱۱. متفاوت بودن تغییر اندازه‌های مجموعه بسته به نقطه عزیمت

در تحقیقات انجام‌شده از سوی کوپوس^۱ و همکارانش در دانمارک بر روی شوراهای شهر، ادعا شد که هرچه شورا بزرگ‌تر باشد، تعداد احزاب بیشتری در آن حضور خواهند داشت. همچنین مشخص شد که اگر تعداد کرسی‌ها از یک به سه افزایش یابد میانگین تعداد احزاب نیز بیشتر می‌شود، اما وقتی تعداد کرسی‌ها از ۵۳ به ۵۵ افزایش یابد، میانگین تعداد احزاب فقط اندکی زیاد می‌شود. دلایل آن است که بیشتر احزاب با حمایت رأی‌دهندگان پیش از رسیدن مجمع به این تعداد کرسی صاحب نماینده شده‌اند. تحلیل‌های آنها نشان می‌دهد که اندازه شورا به دلایل گوناگون برای احزاب مهم است. در مورد دانمارک، تغییر اندازه شوراهای محلی پیامدهای عمیقی بر حضور احزاب کوچک و لیست‌های غیرحزبی در مجمع دارد. در حالی که احزاب متوسط و بزرگ به‌جز مواردی که اندازه شورا بسیار کوچک شود زیاد تحت تأثیر قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین، انتخاب اندازه شورا موضوع بی‌اهمیتی نیست. درباره متغیر اجتماعی - جمعیتی، انتظار این بود که هرچه شورا بزرگ‌تر باشد درصد نمایندگی گروه‌های کم‌نماینده، مانند زنان و جوانان، بالاتر رود. زمانی که تعداد شوراها از یک به ۱۱ نفر افزایش پیدا کند، نمایندگی زنان به‌طور چشمگیری افزایش می‌یابد؛ اما زمانی که شورا به این اندازه برسد افزایش بیشتر در تعداد کرسی‌ها تا حد زیادی بر نمایندگی زنان بی‌تأثیر است. کوپوس و همکارانش ادعا می‌کنند که این فرضیه‌ها را با استفاده از شبیه‌سازی‌های انتخابات آزمایش و اثر تغییرات در اندازه مجمع را بررسی می‌کنند. در این شبیه‌سازی‌ها همه چیز به‌غیر از تعداد کرسی‌ها ثابت نگه داشته می‌شود. این روش در آخرین انتخابات محلی دانمارک به کار گرفته شد و نتایج زیر به‌دست آمد:

تعداد کرسی‌ها برای نمایندگی مهم است. تناسب رأی به کرسی با تعداد شوراهای بزرگ‌تر افزایش می‌یابد. همان‌طور که وقتی تعداد احزاب نماینده در شورا افزایش می‌یابد، نه‌تنها احزاب، بلکه افراد منتخب نیز زیر تأثیر اندازه شورا قرار می‌گیرند و زیاد می‌شوند؛ اگرچه این نتایج کمتر مشخص شده است. اندازه شورا تأثیر زیادی بر درصد جوانان انتخاب‌شده ندارد، اما تأثیر زیادی برای اعضای زن در شورا دارد. تحلیل‌ها نشان داد که رابطه مثبت بین اندازه شورا و ابعاد نمایندگی نیز لزوماً یک رابطه خطی ساده نیست. افزایش تعداد کرسی‌های شورا بر میزان تناسب و نیز بر تعداد احزاب تأثیر می‌گذارد. البته این امر

با نرخی کاهش رخ می‌دهد. بنابراین، تأثیر افزایش مثلاً دو کرسی در شورا به نقطه شروع بستگی دارد. اگر شورا در ابتدا کوچک باشد، تأثیر چشمگیری خواهد داشت؛ درحالی که اگر شورا از قبل کرسی‌های زیادی داشته باشد، تأثیر آن اندک خواهد بود. پس در کل می‌توان گفت: اول، اندازه مجمع تأثیر مشخصی بر ابعاد مختلف نمایندگی دارد و این امر باید درسی برای مهندسان انتخابات باشد. دوم، اینکه تأثیر تغییر اندازه مجموعه بسته به نقطه عزیمت متفاوت است. تأثیرات ممکن است در محدوده‌های معینی از تعداد صندلی‌ها قابل توجه باشد و در دهانه‌های دیگر کمتر به چشم بیاید؛ بنابراین، مهندسی انتخابات نباید بر اساس مفروضات کلی انجام شود، بلکه تحلیل‌های دقیق مجمع مورد نظر و گستره خاص اندازه‌های مجموعه باید در نظر گرفته شوند (Copus, 2009: 4-18).

۱۲. رابطه اندازه پارلمان با جمعیت

طراحی سیستم انتخاباتی برای حکومت تازه تأسیس با تغییر یک سیستم انتخاباتی موجود، به‌طور کامل متفاوت است. در چنین وضعیتی، استدلال‌های نسبتاً تکنوکراتیک مانند «اندازه بهینه مجموعه» ممکن است اهمیت کمتری داشته باشد. پس از تعیین اندازه مجمع، تغییر آن ممکن است نوعی اصلاحات انتخاباتی «سنتی» تلقی شود (Leyenaar, 2011: 437-455). بارکان و دنشام^۱ از طریق سیستم پشتیبانی تصمیم‌گیری فضایی^۲ (SDSS) برای مدل‌سازی نتایج سیستم‌های انتخاباتی جایگزین، یک SDSS ارائه می‌کنند که با به‌حداکثر رساندن برابری جمعیت‌ها در تمام مناطق، سیستمی از n ناحیه ایجاد می‌کنند. آنها برابری جمعیت‌ها را به حداکثر می‌رسانند تا این اصل دموکراتیک را به بهترین نحو محقق سازند که همه شهروندان باید به‌طور برابر دارای نماینده در فرایند قانون‌گذاری ملی باشند. این امر به این دلیل است که هرچه یک حوزه انتخاباتی فشرده‌تر باشد، احتمال بیشتری وجود دارد که ساکنان آن، ویژگی‌ها و علایق مشترکی داشته باشند که از سوی نمایندگان منتخب آنها منعکس شود (Barkan, 2006: 929). تأثیرات تعاملی ناشی از انتخاب نظام انتخاباتی و توزیع فضایی آراء، پیامدهای عمیقی بر پایداری بسیاری از دموکراسی‌ها دارد. این ملاحظات به‌ویژه در دموکراسی‌سازان اخیر اهمیت دارد که بسیاری از آنها جوامعی ارضی و متکثر هستند. در چنین جوامعی بیشتر رأی‌دهندگان هویت سیاسی خود را بر اساس محل سکونت تعریف می‌کنند. خطرها در این دموکراسی‌های شکننده زیاد است و شکست در طراحی و اتخاذ سیستم‌های انتخاباتی که این واقعیت‌ها را به حساب نمی‌آورند، چشم‌انداز دموکراسی را در درازمدت تیره می‌کند (Barkan, 2006: 938). با توجه به استدلال تاگپرا و شوگارت^۳ می‌توان انتظار

1. Barkan & Densham

2. Spatial decision support system

3. Shugart

داشت که هرچه ریشه مکعب جمعیت یک کشور از اندازه کنونی مجمع آن بیشتر باشد، احتمال بزرگ‌شدن مجمع در آینده بیشتر خواهد بود و هرچه ریشه مکعب جمعیت یک کشور از اندازه کنونی مجمع کمتر باشد، احتمال کوچک‌شدن مجمع در آینده بیشتر خواهد بود (Taagepera, 2007: 84).

۱۳. تعیین اندازه پارلمان

چنان‌که بیان شد، تعداد ایدئال نمایندگان مجلس باید بین کارایی، از نظر مشارکت هریک از نمایندگان و توانایی آنها در اجرای دستور کار انتخاباتی خود و نیز انجام درست وظایف نمایندگی، تعادلی برقرار کند. هر دو معیار در تعیین اندازه مجمع تأثیرگذار هستند، زیرا یک اتاق بزرگ‌تر به مناطق کوچک‌تر و در نتیجه همگن‌تر به لحاظ شخصیت، فعالیت اقتصادی محلی و نیازهای اجتماعی امکان حضور می‌دهد. این امر از سوی دیگر، نفوذ و منابعی را کاهش می‌دهد که هریک از نمایندگان مجلس می‌توانند برای پیشبرد برنامه خود و در نتیجه ارتقای منافع رأی‌دهندگان روی آن حساب کنند. پارادایم «کارایی» از اواخر دهه ۱۹۸۰ در مرکز توجه دانشمندان علوم سیاسی و «مهندسان انتخابات» قرار داشته است (Farrell, 2011). 172 پژوهشگران تأثیر سیستم‌های مختلف انتخاباتی را بر کارایی و ثبات معماری سیاسی در خصوص اندازه مجمع مربوطه آشکار کرده‌اند. اعتقاد بر این است که نمایندگی گروه‌های اقلیت، سهمیه‌های جنسیتی، تعداد افراد شرکت‌کننده در انتخابات، و وسعت حوزه‌ها تأثیر زیادی بر کارایی پارلمان و میزان قدرت رأی احزاب سیاسی دارد (Weingast, Shepsle, 1981: 643). انتخاب تعداد کرسی‌های مجلس قانون‌گذاری، میان دو مولفه کارایی و نمایندگی تعادل برقرار می‌کند. هرچه مجمع بزرگ‌تر باشد، تناسب آرا با کرسی‌ها و نیز تعداد احزاب و نمایندگان گروه‌ها بیشتر می‌شود، در غیر این صورت حضور کم‌رنگ خواهد شد. به همین دلیل، هدف نهایی، ایجاد توازن میان نمایندگی به تعداد کافی و افزایش کارایی فرایند قانون‌گذاری است (Frederick, 2010: 6). به بیان دیگر، هدف، ایجاد تعادل میان بازنمایی صدای بسیاری از مردم و حفظ توانایی حکمرانی است (Brooks, 2011: 1). مدیسون این موضوع را مورد پرسش قرار داد که آیا ارزش دارد با افزایش اندازه مجلس به چندین صدای مختلف در آن اجازه شنیده شدن داده شود: «... هرچه تعداد بیشتر باشد، نسبت اعضای دارای اطلاعات محدود و ظرفیت‌های اندک بیشتر خواهد شد». رمزگشایی از تعداد ایدئال اعضای که باید نماینده مردم در نهادهای قانون‌گذاری باشند، می‌تواند پیامدهای عمیقی برای دموکراسی به‌همراه داشته باشد (Frederick, 2010: 1)؛ اما افزایش تعداد نمایندگان اغلب پرهزینه است. بخش دیگر معادله، راندمان کاری است. می‌دانیم که افزایش اندازه مجموعه تأثیر منفی بر روی آن می‌گذارد؛ بنابراین، هنگام تصمیم‌گیری درباره اندازه‌های مجموعه، مهم است که مؤلفه‌های کارایی و نمایندگی را با ظرافت تمام در نظر بگیریم. اگر مجمع فقط چند کرسی داشته باشد، انتظار می‌رود که کار

درونی آن روان تر شود؛ زیرا افراد کمتری مشغول بحث‌های سیاسی می‌شوند و پیش از دستیابی به هر توافق، افراد کمتری باید با هم مصالحه کنند. این امر باعث کاهش صداهای گوناگون مردم در مجمع خواهد شد. کاهش تعداد کرسی‌ها آستانه طبیعی انتخابات را افزایش می‌دهد که این امر به جناح‌های کوچک آسیب می‌رساند؛ بنابراین هرچه مجلس کوچک‌تر باشد، باید امور خود را بهتر انجام دهد؛ برعکس هرچه مجلس بزرگ‌تر باشد به احتمالی نمایندگان بیشتری از جناح‌های مختلف را شامل خواهد شد. در اینجا تقابل میان نمایندگی به تعداد کافی و کارایی بهینه مشهود است. تاگپرا نقطه ثقل این دو موضوع را قانون ریشه مکعب جمعیت برای اندازه پارلمان‌ها معرفی می‌کند. وی می‌گوید اندازه مجموعه باید به گونه‌ای انتخاب شود که کارایی در حالت بهینه قرار گیرد (Taagepera, 1972: 390). بر این اساس، اندازه یک مجلس قانون‌گذار نزدیک به ریشه مکعب جمعیت است و یا به عبارتی:

$$S = P^{1/3}$$

P به توان یک سوم است. در اینجا S اندازه مجلس قانون‌گذاری و P اندازه جمعیت است. این قانون از دو عنصر تشکیل شده است: مبنای نظری قیاسی و نظم تجربی. بحث نظری از این فرض شروع می‌شود که زمان برترین متغیر نمایندگان در خصوص رأی‌دهندگان و دیگر اعضای مجلس است (Taagepera & Shugart, 1989: 173). اگر قانون ریشه مکعب به‌واقع یک قانون همه‌گیر باشد، باید در آینده نیز بروز پیدا کند و در نتیجه، مجامع با رشد جمعیت سازگار شوند (Taagepera & Shugart, 1989: 179). این موضوع هنوز بررسی نشده است. قانون یادشده از این واقعیت پیروی می‌کند که اندازه بیشتر پارلمان‌های منتخب با توجه به جمعیت آنها دارای نظم آماری قوی است و مدل تجربی پیشنهادی، نمایندگی مجامع را بر اساس کارایی ارتباط میان نمایندگان مجلس و اعضای آنها بهینه می‌کند. در راه‌حل پیشنهادی تاگپرا برای سازش میان نمایندگی و کارایی، محدودیت‌هایی وجود دارد. اول، همان‌گونه که خودش اشاره می‌کند، قانون مکعب برای جمعیت زیر یک میلیون نفر صدق نمی‌کند (Taagepera, 2007: 189)؛ دوم، قانون مکعب بر این فرض استوار است که نمایندگی و کارایی در جبران خسارت به یک اندازه مهم هستند. درباره کارایی، تمرکز تاگپرا بر تعداد افرادی است که در بحث‌های سیاسی و فرایند مشورتی شرکت می‌کنند که با افزایش اندازه مجموعه، آنچه را که می‌توان کارایی مشورتی نامید کاهش می‌یابد (Dahl & Tufte, 1973: 80). تعداد زیاد صندلی‌ها ممکن است به هزینه بیش‌ازحد منجر شود. اگر سیاستمداران دخیل در تصمیم‌گیری از چندین حوزه انتخاباتی آمده باشند، پروژه‌ها گران‌تر خواهد شد، زیرا همه آنها می‌کوشند بخشی از اعتبارات را به خانه بیاورند. در نتیجه، می‌توان گفت افزایش اندازه پارلمان بیشتر از یک تعداد مشخص، باعث افزایش ناکارآمدی می‌شود (Weingast, Shepsle, 1981: 645). بنابراین، متعادل کردن نمایندگی و کارایی مجلس مستلزم درک دقیق این دو مفهوم و دست‌کم یک ارزیابی تجربی از پیامدهای بالقوه تغییر تعداد کرسی‌های آن است.

۱۴. یافته‌های پژوهش

به لحاظ تعداد نماینده، پارلمان‌ها در کشورهای مختلف بسیار متفاوت هستند. برای مثال مجلس سفلی هند (Lok Sabha) دارای ۵۴۳ تا ۵۴۵ کرسی و مجلس عالی هند (Rajya Sabha) دارای ۲۵۰ کرسی است. کنگره ایالات متحده دارای ۵۳۵ کرسی است شامل ۴۳۵ نفر در مجلس نمایندگان و ۱۰۰ کرسی در مجلس سنا. پارلمان لوکزامبورگ دارای ۶۰ قانون‌گذار در یک مجلس واحد است. تا سال ۲۰۱۸، ۷۹ سیستم دومجلسی و ۱۱۴ سیستم تک‌مجلسی در اتحادیه بین‌المجالس ثبت شده است^۱ (DPI؛ Inter-Parliamentary Union, 2022). در همه کشورهای تنها دو موضوع ثابت شده است: اول، وجود یک رابطه خطی میان اندازه جمعیت و اندازه پارلمان (Stigler, 1976: 17-34)؛ دیگر اینکه هر کشوری می‌تواند دومجلسی یا تک‌مجلسی باشد (Massicotte, 2001: 152). بر این اساس، می‌توان کشورهای جهان را در شش گروه قرار داد:

۱. کشورهایی که به دلیل جمعیت کم، نسبت اندازه پارلمان به جمعیت آنها پایین است و حکومت مستقلی نیز ندارند. از جمله این کشورها می‌توان به جزایر پیت کرن (Pitcairn Islands)، نیووی (Niue)، توکلائو (Tokelau)، جزایر کوکوس (Coco Islands)، واتیکان، کریسمس (Christmas)، جزیره نورفولک (Norfolk Island) و جزایر فالکلند اشاره کرد.
۲. کشورهایی که هم جمعیت زیاد و هم پارلمان‌های بزرگی دارند که از مهم‌ترین آنها می‌توان به فرانسه، ایتالیا، ایسلند، جمهوری آذربایجان، کوبا، فنلاند و سوئد اشاره کرد.
۳. کشورهایی که با وجود داشتن مجلس بزرگ، دارای سیستم حکومت فدرالی هستند و بخش عمده وظیفه قانون‌گذاری و نظارت در ایالت‌ها به مجالس ایالتی سپرده شده است، مانند کانادا و استرالیا.
۴. کشورهایی که با وجود جمعیت بالا رتبه خوبی دارند که از آن جمله می‌توان به چین، روسیه و آلمان اشاره کرد که تعداد کرسی‌هایشان بسیار زیاد است.
۵. کشورهایی که دارای مجلس کوچکی هستند، اما به دلیل سیستم فدرالی می‌توان انتظار داشت که مجالس ایالتی به پارلمان ملی در نظارت و قانون‌گذاری کمک کند و کارایی پارلمانی این کشورها را افزایش دهد؛ مانند: برزیل، نیجریه، پاکستان، ایالات متحده و هند.
۶. کشورهایی که با وجود حکومت متمرکز دارای پارلمان‌های کوچکی هستند که از آن جمله می‌توان به ایران، فیلیپین، اندونزی و بنگلادش اشاره کرد.

۱. همه اعداد و اطلاعات درباره اندازه و نوع پارلمان‌های کشورهای مختلف از سایت اتحادیه بین‌المجالس استخراج شده است: (<https://www.ipu.org>).

۱۵. بحث

در حال حاضر تعداد نمایندگان مجلس ایران ۲۹۰ نفر است؛ اما مجلس هر ۲۰ سال می‌تواند با توجه به افزایش جمعیت کشور تصمیم بگیرد که ۲۰ نفر به تعداد نمایندگان اضافه کند. اگر جمعیت ایران را ۸۰۸۴۰۷۱۳ میلیون نفر برآورد کنیم، تقریباً به‌ازای هر ۲۷۸۷۶۱ هزار نفر، یک نماینده در مجلس حضور دارد. ایران یکی از کشورهایی است که تنها یک مجلس قانون‌گذاری به نام مجلس شورای اسلامی دارد. پیش از اینکه بخواهیم تعداد نمایندگان مجلس ایران را با دیگر کشورها مقایسه کنیم، بیان دو نکته لازم است:

اول اینکه برخی از کشورها تنها یک مجلس دارند، اما برخی دیگر مجلس دومی نیز دارند که وظیفه قانون‌گذاری ندارد، بلکه بر عملکرد دستگاه‌های حکومتی نظارت می‌کند. دوم اینکه برخی از کشورها دارای حکومت فدرالی هستند و هر ایالت دارای مجلس جداگانه است. در نتیجه، وظایف قانون‌گذاری و نظارت که دو وظیفه بسیار مشکل است و نیاز به نیروی انسانی متخصص و توانمند دارد در کشور جمهوری اسلامی ایران برعهده ۲۹۰ نفر قرار داده شده است. به این دو دلیل در مطلب پیش رو، هر دو مجلس کشورها را در نظر می‌گیریم و تعداد نمایندگان آنها را با تعداد نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران مقایسه می‌کنیم. بر اساس اطلاعات مرکز پارلمان جهانی تا سال ۲۰۲۲، ایران بر اساس نسبت تعداد کرسی‌های پارلمان به جمعیت، از بین ۲۳۹ پارلمان ثبت‌شده در این مرکز، رتبه ۲۳۶ را کسب کرده است. هشت کشور بعد از ایران بر اساس جدول زیر عبارت‌اند از:

رتبه	نام کشور	جمعیت	نوع حکومت	تعداد ایالت	نوع مجلس
۲۳۲	فیلیپین	۱۰۷۶۶۸۲۳۱	ریاستی	-	دومجلسی
۲۳۳	برزیل	۲۱۰۱۴۷۱۲۵	فدرالی	۲۷	دومجلسی
۲۳۴	نیجریه	۱۷۷۱۵۵۷۵۴	فدرالی	۳۶	دومجلسی
۲۳۵	اندونزی	۲۷۱۴۰۷۴۴۶	جمهوری	-	دومجلسی
۲۳۶	پاکستان	۱۹۶۱۷۴۳۸۰	جمهوری پارلمانی	۴	دومجلسی
۲۳۷	بنگلادش	۱۶۶۲۸۰۷۱۲	جمهوری	-	تک‌مجلسی
۲۳۸	ایالات متحده آمریکا	۳۱۸۸۹۲۱۰۳	فدرال	۵۰	دومجلسی
۲۳۹	هند	۱۲۳۶۳۴۴۶۳۱	جمهوری فدرال	۲۵	دومجلسی

همان‌طور که در جدول مقایسه هشت کشور بعد از ایران دیده می‌شود، کشورهای برزیل، نیجریه، پاکستان، ایالات متحده و هند دارای حکومت فدرالی هستند. در این کشورها بخش عمده فرایند قانون‌گذاری و نظارت از سوی مجالس ایالتی انجام می‌شود. این مجالس کمک شایانی به مجالس فدرال می‌کنند. پس می‌توان نتیجه گرفت که مجلس ایران در مقایسه با پارلمان‌های موجود در جهان نسبت به جمعیت و نوع

حکومت، مجلسی بسیار کوچک است؛ چنان‌که از بین ۲۳۹ پارلمان مورد مقایسه، رتبه ۲۳۶ را داراست. تنها کشورهای فیلیپین، اندونزی و بنگلادش رتبه‌ای پایین‌تر از کشور جمهوری اسلامی ایران دارند.

۱۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی‌های تحقیق نشان می‌دهد که تعیین تعداد کرسی‌های یک مجلس قانون‌گذاری، اقدامی است که میان کارایی و نمایندگی تعادل برقرار می‌کند؛ بنابراین، تعداد بسیار کم نمایندگان باعث می‌شود که دموکراسی به‌درستی جامعه را نمایندگی نکند. مطالعه اولیه نشان می‌دهد که تعداد کم نمایندگان مجلس در یک کشور به‌طور چشمگیری باعث کاهش کارایی آن در انجام دو وظیفه مهم یعنی قانون‌گذاری و نظارت خواهد شد. هر یک از این دو وظیفه نیاز به زمان و تخصص دارد و تعداد افراد انسانی از عوامل محدودکننده این دو مؤلفه است؛ پس هرچه تعداد اعضای پارلمان کمتر باشد کارایی آن نیز کاهش خواهد یافت. اگر تعداد نمایندگان خیلی زیاد شود، سرعت عمل پارلمان کاهش و زمان رسیدن به نتیجه افزایش می‌یابد؛ یعنی راندمان کاری افول می‌کند. تصمیم‌گیری در پارلمان با تعداد نماینده کم روان‌تر پیش می‌رود، زیرا افراد کمتری بحث می‌کنند. از سوی دیگر این امر باعث کاهش ویژگی نماینده بودن پارلمان خواهد شد؛ بنابراین، هرچه مجلس کوچک‌تر باشد، امور خود را بهتر انجام می‌دهد و برعکس هرچه قوه مقننه بزرگ‌تر باشد، احتمالاً نمایندگان بیشتری از جناح‌های مختلف را در خود خواهد داشت. در اینجا تقابل میان نمایندگی به تعداد کافی و کارایی بهینه مشهود است؛ بنابراین در تعیین اندازه‌های پارلمان هر دو مؤلفه کارایی و نمایندگی را باید در نظر گرفت. در این راستا، تاگپرا نقطه ثقل این دو موضوع را قانون ریشه مکعب جمعیت معرفی کرده است؛ چنان‌که هر دو مؤلفه کارایی و نمایندگی در حالت بهینه قرار می‌گیرند. بر این اساس، اندازه یک مجلس قانون‌گذار نزدیک به ریشه مکعب جمعیت است و یا به عبارتی:

$$S = P^{1/3}$$

قانون یادشده از این واقعیت پیروی می‌کند که اندازه بیشتر پارلمان‌های منتخب با توجه به جمعیت آنها دارای نظم آماری قوی است و مدل تجربی پیشنهادی، نمایندگی مجامع را بر اساس کارایی ارتباط میان نمایندگان مجلس و اعضای آنها بهینه می‌کند. همان‌طور که مشاهده شد، متعادل کردن نمایندگی و کارایی مجلس مستلزم درک دقیق این دو مفهوم است. بر این اساس، مجلس ایران در مقایسه با پارلمان‌های موجود در جهان و نسبت به جمعیت و نوع حکومت، مجلسی بسیار کوچک است؛ به‌طوری‌که از بین ۲۳۹ پارلمان مورد مقایسه، رتبه ۲۳۶ را دارد. تنها کشورهای فیلیپین، اندونزی و بنگلادش رتبه‌ای پایین‌تر از کشور جمهوری اسلامی ایران دارند. در ایران کاهش کارایی و توان مجلس در قانون‌گذاری باعث افزایش دخالت قوه مجریه می‌شود. این امر سبب می‌شود که بر اساس اصل ۸۵ قانون

اساسی بخش عمده قانون‌گذاری‌ها از طریق قوه مقننه انجام شود که نظارت آن فقط بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی صورت می‌پذیرد. برابر این اصل، رئیس مجلس شورای اسلامی مرجع تشخیص مغایرت مصوبات دولتی با قوانین است و نظر وی نظر نهایی و لازم‌الاجرا است. این روش نظارت نقاط ضعف بسیاری دارد که بیان آنها در این مجال نمی‌گنجد. پیشنهادهای نگارندگان مقاله:

(الف) اصلاح قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی؛

(ب) افزایش کرسی‌های مجلس شورای اسلامی با رعایت اصل کارایی و نمایندگی؛

(ج) اصلاح قوانین داخلی مجلس در خصوص توزیع نمایندگان در کمیسیون‌ها.

منابع

الف) فارسی

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸).
۲. مولائی، آیت و معنوی، مهدی (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی شرایط داوطلبان مجلس شورای اسلامی ایران و ولسی جرگه افغانستان. *مطالعات حقوق تطبیقی*، ۱۰(۲)، ۷۷۱.

ب) انگلیسی

1. Barkan, J. D, Densham, P.J. & Rushton, G. (2006). Space matters: Designing better electoral systems for emerging democracies. *American Journal of Political Science*, 50(4), 926-939
2. Besley, T. & S. Coate (1998). Sources of Inefficiency in a Representative Democracy: A Dynamic Analysis, *American Economic Review*, (88), 139-156.
3. Brooks, L, Phillips, J. & Sinitsyn, M. (2011). The cabals of a few or the confusion of a multitude: The institutional trade-off between representation and governance. *American Economic Journal Economic Policy*, 3(1), 1-24
4. Copus, C, Clark, A. Reynaert, H. & Steyvers, K. (2009). Minor party and independent politics beyond the mainstream: Fluctuating fortunes but a permanent presence. *Parliamentary Affairs*, 62(1), 4-18 .
5. Dahl, R.A. & Tufte, E.R. (1973). *Size and democracy*. Stanford, CA: Stanford University Press.
6. DPI ؛Inter-Parliamentary Union, <https://www.ipu.org/> (2022)
7. Farrell, D. M. (2011). *Electoral Systems: A Comparative Introduction* (Second edi.). Houndmills: Palgrave MacMillan, p. 172 .
8. Frederick, B. (2010). *Congressional Representation & Constituents*. The Case for increasing the U.S. House of Representatives. New York: Routledg.
9. Hoffman, L.Richard (1979). Applying Experimental Research on Group Problem Solving to Organizations, *The Journal of Applied Behavioral Science*, 375-391.

10. Hooghe, M, & Deschouwer, K. (2011). Veto players and electoral reform in Belgium. *West European Politics*, 34(3), 626–643 .
11. Lewis-Beck, M.S. & Nadeau, R. (2012). PIGS or not? Economic voting in Southern Europe. *Electoral Studies*, 31(3), 472–477 .
12. Leyenaar, M. & Hazan, R.Y.(2011). Reconceptualising Electoral Reform. *West European Politics*, 34(3), 437–455 .
13. Lijphart, A. Engineering, *European Journal of Political Research*, (25), 1-17.
14. Lijphart, A. (1971). Comparative politics and the comparative method. *American Political Science Review*, 65(3), 682–693.
15. Lorge, Irving, Fox, David, Joel, Davitz, And brenner, Marlin (1958). A survey of studies contrasting the quality of group performance and individual performance, 1920-1957, *Psychological Bulletin*, 55(6), 337-372.
16. Lundell, K. (2012). Disproportionality and Party System Fragmentation: Does Assembly Size Matter? *Open Journal of Political Science*, 2(1), 9–16.
17. Mansbridge, J. (2003). Rethinking representation. *American Political Science Review*, 97(4), 515–528.
18. Massicotte, Louis (2001). Legislative Unicameralism: A Global Survey and a Few Case Studies: A Global Survey and a Few Case Studies, *The Journal of Legislative Studies*, 7(1), 151-170.
19. Moulai, Ayat, Maanavi, Mahdi (2019). A comparative study of the conditions of the candidates of the Islamic Council of Iran and the Wolesi Jirga of Afghanistan, *Comparative Law Studies*, Volume 10, (2), 771 (In Persian).
20. Myerson, RB. (1999). Theoretical Comparisons of Electoral Systems. *European Economic Review*, (43), 671-697.
21. Pitkin, H.F. (1967). *The concept of representation*. Berkeley: University of California Press.
22. Pole, J.R. (1987). *The American constitution, for and against, the Federalist and Anti-Federalist Papers*, Hill and Wang, New York
23. Renwick, A. (2011). Electoral Reform in Europe since 1945. *West European Politics*, 34(3), 456–477 .
24. Rule, W. (1987) Electoral systems, contextual factors and women's opportunity for election to parliament in twenty-three democracies. *Western Political Quarterly*, 40(3), 477–498.
25. Stigler, George J. (1976). The Sizes of Legislatures, *The Journal of Legal Studies*, 5(1), 17-34
26. Taagepera, R. (1972). The size of national assemblies. *social science research*, 1(4), 385–401
27. Taagepera, R. (2009). Predicting party sizes – The 2007 Johan Skytte Prize Lecture. *Scandinavian Political Studies*, 32(2) , 241.
28. Taagepera, R., & Shugart, M. S. (1989). *Seats and votes: The effects and determinants of electoral systems*. New Haven: Yale Universit.
29. Taagepera, R. (2007). *Predicting party sizes: the logic of simple electoral systems*. Oxford: Oxford University Press
30. The Constitution of the Islamic Republic of Iran, (1989) (In Persian).
31. Van Holsteyn, J. J. M., & Andeweg, R. B. (2010) Demoted leaders and exiled

-
- candidates: Disentangling party and person in the voter's mind. *Electoral Studies*, 29(4), 628-635.
32. Weingast, B. R., Shepsle, K. A., & Johnsen, C. (1981). The political-economy of benefits and costs A neoclassical approach to distributive politics. *Journal of Political Economy*, 89(4), 642-664.
33. Yetton, Philip, PRESTON BOTTGER, (1983). The Relationships among Group Size, Member Ability, Social Decision Schemes, and Performance. *Organizational Behavior and Human Performance* (32), 145-159.
34. Zilber, Robert O.C, (1957). Group Size: A Determinant of the Quality and Stability of Group Decisions. *Sociometry*, 20(2), 165-173.